

Received:2023/5/2
Accepted:2023/7/20
Vol.22/No.84/Summer2025

scientific quarterly journal of Islamic mysticism
erfan.eslami.zanjan@gmail.com
<https://sanad.iau.ir/journal/mysticism>

The coexistence of Iranian myth and mysticism with a reflection on the story of the Ardaviraf-nameh (case study of numbers three and seven)

*Reza Yousofvand**

Assistant Professor, Department of History, Payam-e-Nour University, Tehran, Iran.
Yousefvand@pnu.ac.ir

Abstract

Myths play an important role in preserving ancient religions, whether intentionally or unintentionally. When the religion of a nation is changed due to historical events, the gods, national and religious heroes, and ancient myths that are basically formed based on the beliefs and convictions of a nation and have long-standing roots in the minds and thoughts of the people are not immediately eliminated, but often coexist and continue to exist in the layers of the new religion. Therefore, they may change shape but will not disappear. In this article, some of the salient features of Iranian mythology and mysticism are discussed and examined with a case study of the numbers three and seven and a reflection on the story of Ardaviraf-nameh (The Book of Arda Viraf). The main question of the research is what is the relationship between Iranian mythology and mysticism? The hypothesis under discussion is that Iranian mythology has preserved its identity during different periods, various events, the emergence and manifestation of different religions, and various invasions, and has coexisted with Iranian mysticism and continued to exist with minor changes. Therefore, by decoding the texts, stories, and discussions of the mystical path and conduct, it can be said that there is a direct relationship between these two. This article uses a descriptive-analytical method to express the research question and the corresponding hypothesis.

Keywords: Ancient Iran, mythology, Iranian mysticism, Ardaviraf-nameh, numbers three and seven.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۱۲

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۲۹

دوره ۲۲- شماره ۸۴- تابستان ۱۴۰۴- حصص: ۱۵۱-۱۶۴

مقاله پژوهشی

همزیستی اسطوره و عرفان ایرانی با تأملی بر داستان ارداویرافنامه

(مطالعه موردی: عدد سه و هفت)

رضا یوسفوند^۱

چکیده

اساطیر به صورت خواسته و ناخواسته نقش مهمی در حفظ ادیان باستان ایفا می کنند. هنگامی که بر اثر جریانات تاریخی دین یک ملت عوض می شود در این میان خدایان، قهرمانان ملی و مذهبی و اساطیر باستانی که اصولاً بر مبنای باورها و اعتقادات یک ملت شکل گرفته اند و در ذهن و فکر و اندیشه مردم ریشه ای دیرینه دارند به یکباره حذف نمی شوند بلکه غالباً در لایه های دین جدید دچار همزیستی شده و به حیات خود ادامه می دهند. بنابراین ممکن است تغییر شکل دهند اما از بین نروند. در این گفتار چند مشخصه بارز اساطیر و عرفان ایرانی با مطالعه موردی عدد سه و هفت و تأملی بر داستان ارداویرافنامه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. سوال اصلی تحقیق عبارت است از اینکه چه رابطه ای بین اساطیر و عرفان ایرانی وجود دارد؟ فرضیه مورد بحث عبارت است از اینکه اساطیر ایرانی در طی ادوار مختلف، حوادث گوناگون، ظهور و بروز ادیان مختلف و تهاجمات گوناگون هویت خود را حفظ نموده و با عرفان ایرانی دچار همزیستی شده و با تغییرات جزئی به حیات خود ادامه داده است. بنابر این با رمزگشایی از متون، داستان ها و مباحث سیر و سلوک عرفانی می توان گفت بین این دو رابطه مستقیم وجود دارد. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی به بیان سوال تحقیق و فرضیه متناظر با آن می پردازد.

کلیدواژه ها: ایران باستان، اساطیر، عرفان ایرانی، ارداویرافنامه، عدد سه و هفت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- استادیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. Yousefvand@pnu.ac.ir

پیشگفتار

اسطوره‌ها ماحصل تخیلات و اندیشه انسان آغازین برای یافتن پاسخی برای راز و رموز جهان هستی و علل وقوع آن‌هاست. هر ملتی در تعامل با دنیای پیرامونش، جهان‌بینی خاص خود را دارد. به همین علت شناسایی اساطیر می‌تواند ما را در کشف جنبه‌های پنهان و باورهای پیشینیان خود در اعصار گذشته و نحوه زندگیشان در آن اعصار یاری دهد و بین آن‌ها پیوند برقرار نماید. رمزگشایی از اسطوره‌ها یکی از روش‌های شناخت پیشینه تاریخی فرهنگی هر ملتی محسوب می‌شوند. انسان عصر جدید، خسته از فشارهای سیاسی - اجتماعی می‌کوشد تا هویت ازدست‌رفته خویش را به انحاء مختلف بازسازی و احیاء کند. بنابر این گاهی اسطوره‌های باستانی را که دچار همزیستی شدند را می‌توان بازسازی نمود و گاهی نیز بنا به مقتضات زمان و باورهای موجود اساطیر جدیدی از درون آن‌ها پا به عرصه وجود می‌گذارد. اساطیر نمادهایی هستند که کهن‌الگوها از طریق آن‌ها به حوزه خود آگاهی وارد می‌شوند. در انگاره‌های عرفانی نیز جدا از ظواهر آن به مشترکاتی درخور توجه در اساطیر می‌توان دست یافت. المان‌های اساطیری ایران به انحاء مختلف در جریانات سیر و سلوک‌های عرفان ایرانی تبلور یافته و با تغییرات جزئی و همزیستی ادامه حیات دادند. عرفان ایرانی با داشتن پیشینه کهن اساطیری توانسته است در قالب داستان‌ها و سرگذشت‌های مختلف مثل منطق‌الطیر عطار نیشابوری نقش آفرینی کنند. وجود مراحل سه‌گانه و هفت‌گانه از خصوصیات بارز اساطیر و عرفان ایرانی است که به‌وضوح در قالب‌های مختلف به چشم می‌خورد. در داستان سفر معنوی ارداویراف به عالم پس از مرگ که گویای مسائل اجتماعی و باورهای مذهبی جامعه عصر ساسانی است، ویراف با طی نمودن مراحل مقدماتی سفر، از قبیل سه بار نیزه انداختن، نوشیدن سه جام، سپس سفر هفت‌روزه و دلوپسی خواهران هفت‌گانه او می‌توان المان‌های اساطیری ایران را جستجو نمود، در این باره جایگاه عدد سه و هفت از اهمیت خاصی برخوردار است. چگونگی آفرینش جهان و تناسب آن با اعداد از مباحثی است که از دیرباز ذهن انسان را به خود جلب نموده است. در همین راستا نقش اعداد و رد پای آن در اساطیر و جریانات عرفانی در متون ایرانی قابل مشاهده است و در متن مقاله و با روش توصیفی تحلیلی به آن پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

بررسی در خصوص همزیستی اسطوره و عرفان ایرانی با تأمل بر داستان ارداویراف‌نامه و نقش عدد سه و هفت در این خصوص موضوعی است که در مقایسه با دیگر پژوهش‌ها کمتر مورد توجه فرهنگ‌شناسان و محققان ایران‌شناس قرار گرفته‌است و در این حوزه پژوهش مستقل و یا تحقیق جامعی به‌انجام نرسیده‌است. اما محققان داخلی و خارجی به‌طور پراکنده پژوهش‌هایی را در زمینه نقش و جایگاه اعداد در ایران باستان به نگارش درآوردند. احترام‌سادات حسینی در کتابی به نقش اعداد از باستان تاکنون می‌پردازد. خیراله محمودی نیز در مقاله‌ای با عنوان "جایگاه عدد سه در فرهنگ و آیین-های ایران باستان" می‌پردازد. بهروز وحدانی نیز به نقش و جایگاه عدد هفت و دوازده در موسیقی ایران در مجله کتاب ماه هنر به بحث و بررسی می‌پردازد. بنابراین بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون پژوهش مستقلی در خصوص این موضوع ثبت و ضبط نشده‌است.

رویکرد دینی درباره عصر ساسانی

با اینکه ساسانیان سلسله‌ای جنگجو بودند اما بنیان ایشان مذهبی بود. اردشیر مؤسس این سلسله از شجره موبدان بود که به‌طور موروثی نگهبان معبد اِسطخر شده‌بود. از این‌رو، شاهان ساسانی غالباً پایبندی به شاعر دینی را بروزمی‌دادند و به تحکیم دین رسمی تمایل داشتند.

به گفتار این نامدار اردشیر همه گوش دارید برنا و پیر

نه از پادشاه بی‌نیاز است دین نه بی دین بود شاه را افرین

(فردوسی)

خسرو انوشیروان پس از پیروزی بر سپاه روم و تصرف شهر انطاکیه (۵۴۰ م) به سلوکیه رفت و با آرامش، شناکرد و سپس به شکرانه پیروزی‌اش مجلس بزرگی برگزارکرد و به اهدای قربانی پرداخت. همچنین یزدگرد دوم با قربانی نمودن چند گاو و همچنین بز نر در کنار آتشگاه، پیروزی خویش را بر همسایه‌های مجاور جشن-گرفت. اردشیر دوم نیز مراسم تاجگذاری خود را در معبدی در نزدیکی پاسارگارد به‌انجام‌رسانید (جم، ۱۳۹۸: ۵۳). حاکمان ساسانی به مباحث دینی به‌ویژه مقدس دانستن آتش و آتشکده اهمیت خاصی می‌دادند، نقش مجمر آتش در پشت سکه اردشیر و روی مسکوکات دیگر شاهان ساسانی نشانگر پایبندی آنان به مقوله دین است. همچنین شایسته‌ترین عمل برای شاه برپاساختن آتشکده بود، از این‌رو، در این دوره آتشکده‌های فراوان و با شکوهی ساخته‌شد و شاهان این سلسله در تحکیم دین نو زرتشتی (مزدیسنا) و رسمیت‌بخشیدن به آن اقدامات زیادی نمودند.

کارکرد اساطیری اعداد سه و هفت

در فرهنگ ایرانی توجه به اعداد و باور به سعد و نحس ایام ملموس و محسوس است، همچنین طی نمودن سرگذشت‌های عرفانی و اسطوره‌ای بشر بر مبنای ایام مشخص، به‌خصوص عدد سه و هفت از دیر باز ذهن انسان را به خود جلب نموده است، به‌گونه‌ای که المان‌های مربوط به آن را هم در اساطیر می‌توان جستجو نمود و هم در سیر و سلوک‌های عرفانی.

در فرهنگ‌های گوناگون برخی اعداد دارای بار نمادین بوده و از قداست یا نیروی اهریمنی خاصی برخوردار بودند. در اساطیر در مرحله اول خدایان اصلی خدایگان سه‌گانه هستند و خدایگان دیگر در مراتب بعدی جای دارند. در ایران این سه‌گانگی خدایگان از زروان، اهورا، و اهریمن پدیدار می‌شود. نزد اقوام هند و اروپائی عدد هفت از قداست خاصی برخوردار است (هیلنز، ۴۹۸: ۱۳۸۳). پرستندگان آیین مهر به هفت مقام یا مرحله قائل بودند که عبارتند از:

۱. کلاغ. ۲. نامزد. ۳. سرباز. ۴. شیر. ۵. پارسایی. ۶. مهرپویا یا پیک خورشید. ۷. پدر یا پیر در متون ایرانی کهن تعبیر مختلفی از هفت وجود دارد که بیانگر پیش اسطوره‌ای است. هفت آسمان، هفت اقلیم، هفت پیکر و هفت روز نمونه‌هایی از اینگونه هستند. در سنت اساطیری ایران رذپای اعداد به‌وفور دیده می‌شود. حسن مشحون در کتاب تاریخ موسیقی ایران می‌گوید: "نی کامل داری هفت سوراخ است و معمولاً آن را هفت‌بند می‌گویند." (مشحون، ۹: ۱۳۷۳). در قرآن کریم نیز خداوند متعال از آفرینش آسمان هفتگانه و زمین سخن می‌گویند (قرآن کریم، ۱۲-۶۵).

در باورهای ایران عصر باستان و دوره اسلامی، آسمان و زمین هفت طبقه دارند، دوزخ را هفت طبقه است. در عرفان و نزد عطار از طلب تا فنا فی الله هفت مرحله است. در آثار دینی و زرتشتی زمین به هفت اقلیم تقسیم می‌شود. در هفت خوان رستم که خود هفت مرحله است از هفت کوه سخن به میان می‌آید.

گذرکرد باید ابر هفت کوه ز دیوان به هر جا گروه‌ها گروه

(فردوسی)

جام جهان‌نما در اساطیر ایران هفت خط دارد و هر کس را رخصت نوشیدن تا خط خاصی است. در فرهنگ عیاران قدح در کشیدن هر عیار را به ترتیب درجه او، رخصت نوشیدن تا خط خاصی است. در آئین زرتشت شمار آتشکده‌های مهم هفت آتشکده است. (هیلنز، ۴۹۹: ۱۳۸۳).

در روایت‌ها آمده است که زرتشت سه بار با هووی همسرش، همبستر می‌شود و هوو هر بار خود را با آب دریاچه هامون (کیسانیه) شستشو می‌دهد و نطفه‌های زرتشت از این طریق وارد آب می‌شوند. ایزد نریوسنگ نطفه‌ها را در اختیار می‌گیرد و به ایزدبانو، آناهیتا، می‌سپارد تا در زمان مناسب با این نطفه‌ها بیامیزد و جای نگهداری آن‌ها همان کیسانیه است (آموزگار، ۱۳۸۳: ۸۴).

در متون زرتشتی علاوه بر بشارت به ظهور رهاننده عدالت‌گستر، از تولد و ظهور او نیز سخن به میان آمده‌است. از نگاه این آیین، موعود مژدیسنا ((سوشیانس)) نام دارد. بیشتر زرتشتیان بر این باورند که در آخر زمان فرد یا افرادی ظهور خواهند نمود و آیین پر از رنج و محنت مژدیسنا را دوباره احیا خواهند نمود (پورداوود، ۱۳۷۴: ۲) آن‌ها منتظر سه موعود هستند که به ترتیب و با فاصله هزارساله ظهور خواهند نمود و عمر جهان را دوازده هزار سال تخمین زده‌اند که مجموعاً به چهار مقطع سه-هزارساله تقسیم می‌گردد. در چهارمین دوره سه هزارساله در هر هزار سال یک منجی از پسران زرتشت ظهور خواهند نمود و جهان را نو خواهند نمود (رضا حبیبی نژاد و فاطمه حیاتی ۱۳۹۵: ۳۰). تقدس عدد سه نه تنها نزد ایرانیان بلکه در فرهنگ‌ها و مذاهب دیگر نیز مورد توجه بوده‌است. در قربانگاه هندیان سه آتشکده وجود داشته‌است. (بورکهارت، ۱۳۶۹: ۵۰).

در نزد اعراب قبل از اسلام سه الهه به نام‌های لات، منات و عزی دیده می‌شود. در خصوص معبد مسیحی و ویرانی آن و پاسخ مسیح به این قضیه آمده‌است که ((من آن را در سه روز بر پا خواهم نمود. یهودیان گفتند ساختن این معبد چهل و شش سال زمان برده شما چگونه آن را در سه روز بنامی کنید؟ اما معبدی که مسیح از آن سخن می‌گفت تنش بود)) (محمودی، ۱۳۸۴: ۱۵۱).

در مناسک ویژه آتش زرتشتیان، سه دسته آتش وجود دارد. در آیین زرتشتی کمر بند کشتی را سه بار دور کمر می‌بستند به نشانه سه باور بنیادی اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک (دوستخواه، ۱۳۷۹: ۱۰۳۳). مهم‌ترین آتشکده‌های دوره ساسانی عبارت بودند از: آذرگشسب، آذر فرنبغ و آذر برزین (یاحقی ۱۳۷۵: ۳۵). ایرانیان باستان دنیا را به سه بخش تقسیم می‌کردند و در شاهنامه این تقسیم‌بندی نمایان است که فریدون جهان را بین سه فرزند خود ایرج، سلم و تور تقسیم کرد و نوح نیز سه نژاد انسانی را به واسطه سه فرزند خود، حام، سام، یافث به وجود آورد. در دوران هخامنشیان از دوره اردشیر دوم به بعد مردم به سه ایزد اعتقاد داشتند. این سه ایزد به صورت یک مثلث قرار می‌گرفت که در رأس آن اهورمزدا و در دو ضلع آن خدایان میترا و آناهیتا قرار داشتند (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۱۴۸). در اساطیر ایران روان انسان پس از مرگ سه شب در گور می‌ماند و روز چهارم می‌رود تا دوباره اعمالش داوری شود. در شاهنامه در داستان رسیدن زال به مدد مهراب آمده‌است:

بی‌انداخت سه جای سه چوبه تیر برآمد خروشییدن داروگیر

(شاهنامه، ج ۲۱/۱، ب ۴۳۴).

در داستان آمدن سام به دیدار رستم نیز در شاهنامه چنین آمده‌است:

سه منزل برفتند و گشتند باز کشید آن سپهبد به راه دراز

(شاهنامه، ج ۱۸۲/۱، ب ۱۸۱۲).

در داستان تولد سهراب از مادرش تهمنه آمده‌است:

سه یاقوت رخشان و سه بدره زر کز ایران فرستاده بودش پدر

(شاهنامه، ج ۳/۲، ب ۱۵۲).

آداب و رسوم و باورهای ایرانی با توجه به سابقه و عناصر آن در ادوار مختلف قابل بحث و بررسی بوده و از اهمیت خاصی برخوردار است و حتی در برخی موارد این باورها و عناصر فرهنگی با عناصر فرهنگی سایر ملل و ادیان نیز گره خورده است.

اعداد در متون عرفانی کارکرد نمادین دارند. عرفا علاوه بر حروف، از اعداد برای بیان مفاهیم رمزی خود بهره فراوانی برده‌اند (فرزانه فرد و دهقان، ۱۳۹۹: ۲۷۴). عدد سه در تقدیر امور بعد از عدد هفت در نزد عرفا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. تقسیم اوقات نماز به صبح، ظهر و شب یکی از گونه‌های این قداست است (آقا شریف، ۱۳۸۳: ۷۲). در قرآن کریم از شب‌های قدر که سه شب هستند به عنوان برترین شب‌ها یاد می‌شود و خداوند متعال شب قدر را بالاتر و ارزشمندتر از هزار ماه می‌داند.

ورکند هر دو بند گیسو باز سه شب قدر برگشاید راز

(سنایی)

مراتب یقین در حکمت ایرانی بر سه مرتبه است: حق‌الیقین، علم‌الیقین و عین‌الیقین. نفس در قرآن سه نوع است، اماره، (یوسف، ۵۳)، لواحه (قیامه، ۲)، مطمئنه (فجر، ۲۷). در عرفان اسلامی، شریعت، طریقت و حقیقت سه مسیر منتهی به حق هستند. کارکرد نمادین اعداد در بیان مفاهیم عمیق عرفانی نقش قابل تأملی داشتند.

خاستگاه اساطیر

دانسته‌های ما درباره افسانه‌ها و اساطیر ایران از متون کهن ایران پیش از اسلام نشأت می‌گیرد که مهم‌ترین آن‌ها اوستا می‌باشد. علاوه بر اوستا برخی از متون پهلوی پارسی و ساسانی و همچنین اندرزنامه‌ها خاستگاه اساطیری دارند. علاوه بر منابع فوق شاهنامه فردوسی نیز به نوع خود یک شاهکار بی‌نظیر در حوزه تاریخ اساطیری ایران است. فردوسی در این اثر تاریخ بازسازی شده ایران را به شعر سروده است (هینلز، ۱۳۸۳: ۵۶). متون آیینی همانند ارداویراف‌نامه نیز شمه‌ای از تاریخ اساطیری ایران را حفظ نمودند.

اساطیر ایران

اسطوره حاصل اندیشه انسان دوران پیش از تاریخ است، باید بر این باور بود که اسطوره‌ها هرگز نمی‌میرند و در گذر زمان، به طرق مختلف به حیات خود ادامه می‌دهند و بنا به مقتضیات زمان متحول

و دگرگون می‌شوند. گاه اسطوره‌های کهن بازسازی می‌شوند و گاهی نیز دچار همزیستی شده و نمودی جدید می‌یابند.

اسطوره صفت و نشان خاص دوران باستان و نمایانگر روند تکامل ذهن انسان گذشته است. اسطوره‌سازی در ادوار کهن در اندیشه بشری رواج بیشتری داشته اما هیچ وقت از میان نرفته و نخواهد رفت. اسطوره‌های ایرانی سرگذشت‌های ماوراءالطبیعی انسان اعصار باستان را غالباً توسط موجودات خارق العاده و گاه‌ها توسط قهرمانان ملی و مذهبی به تصویر می‌کشند. مردم سرزمین‌های گوناگون با توجه به عقاید و باورهای خود آغاز آفرینش را به‌گونه‌ای خاص به تصویر کشیدند. در اساطیر ایران، آفرینش جهان با خلقت آسمان شروع و با پیدایش انسان به پایان می‌رسد. از دیدگاه اساطیری ایران نخستین انسان آفریده شده کیومرث است (یوسف‌وند، ۱۳۹۶: ۷۳). او می‌میرد و از بدن او انواع فلزات به وجود می‌آید و از نطفه‌اش بعد از چهل سال نخستین زوج بشر در قالب گیاهی به اسم مشی و مشیانه (مرد و زن) پدید می‌آیند. در بینش اساطیری، پدیده‌های طبیعی دارای شعورند و موجودات زیان‌آفرین سایر موجودات را تهدید می‌کنند (کرتیس، ۱۳۷۳: ۲۴).

عرفان ایرانی

عرفان در لغت شناخت و در اصطلاح به معنای ادراکی است که از راه تمرکز بر باطن از طریق سیر و سلوک کسب می‌شود. در تعریف عرفان در علم ادبیات عرب آمده است: ((عرفان هم ریشه معرفه به معنای علم و آگاهی است و نیز عارف کسی است که همه چیز را می‌داند و هر کسی را یک بار ببیند، او را می‌شناسد)) (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۳). عرفان عنوان مشترکی است که در ادبیات تطبیقی میان جوامع مختلف نقش برجسته‌ای دارد و به دو شاخه عرفان عملی و عرفان نظری تقسیم می‌شود، عرفان عملی در خصوص سیر و سلوک بحث می‌کند. عرفان نظری از شهود عرفا صحبت می‌کند و شهود عرفانی اصولاً حاصل سلوک عرفانی است. اهمیت علم عرفان عملی بسی بیش از عرفان نظری است، عرفان عملی در آثار خواجه عبدالله انصاری به‌ویژه در منازل السائرین به کمال می‌رسد (فناپی، ۱۳۹۰: ۹۴). عرفان ایرانی با توجه به سوابق و قدمت آن و همچنین نگرش فراقومی و فراملی گوی سبقت را در این میدان از دیگر ملت‌ها ربوده است. تاثیر عرفان ایرانی بر افکار سایر ملل قابل بحث و بررسی است.

جلوه‌های عرفان ایرانی

سیر و سلوک، عشق، سفر، وحدت و ستایش پروردگار از اهم جلوه‌های عرفان ایرانی می‌باشد که از دیرباز توجه محققان را به خود جلب نموده است. اندیشمندان برای بیان غلیان‌های درونی خود تحت تاثیر احوالاتی قرار می‌گیرند که می‌تواند متأثر از نوع جهان‌بینی و اعتقاداتشان باشد. یکی از

شاهکارهای عرفان ایران منطق الطیر عطار نیشابوری است. عطار در این اثر، مراحل هفتگانه سیر و سلوک موسوم به هفت وادی را مطرح می‌کند. مراحل هفتگانه در آثار ایرانی-اسلامی علاوه بر منطق-الطیر در آثار دیگری از تألیفات محققان ایرانی مثل هفت اقلیم احمد رازی، هفت حصار انصاری، هفت بند محتشم کاشانی، مجالس هفتگانه مولوی، هفت پیکر نظامی، هفت خوان رستم و موارد عدیده دیگری مورد توجه قرار گرفته است.

یکی از مهم‌ترین آثار عطار نیشابوری منطق الطیر است که با زبان مرغان داستان سیر و سلوک انسان‌های دربند را تا رهایی و فنای در حق به تصویر می‌کشد. این منظومه توصیفی از سفر مرغان به سوی سیمرغ است که با رسیدن سی مرغ از جمع فراوان مرغان به حضور سیمرغ به پایان می‌رسد و عطار به زیبایی تمام دشواری‌های راه سیر و سلوک را برای رسیدن به حق به تصویر کشیده است. جان آدمی همچون مرغ، در قفس تن گرفتار است. این مرغ از جنس سیمرغ بی‌نام‌ونشان و همواره در آرزوی فرار و خلاص از قفس است (واعظی منفرد و دیگران، ۱۳۹۹: ۷۸). پرندگان منطق الطیر از دام تعلقات مادی رسته و به سوی مقصد نهایی در پروازند و همانند نفوسی هستند که پا در سفر رهایی گذاشته تا به اصل خود ملحق شوند.

گفت مارا هفت وادی در ره راست چون گذشتی هفت وادی، درگه است

(عطار نیشابوری، ۱۳۸۳: ۳۸۰).

۱. طلب. ۲. عشق. ۳. معرفت. ۴. استغنا. ۵. توحید پاک. ۶. حیرت. ۷. وادی فقر و فنا.

ارداویراف‌نامه

ارداویراف‌نامه یکی از متون دینی ارزشمند عصر ساسانی است که به زبان پهلوی به نگارش درآمده و در خصوص اعتقادات دینی عامه ایرانیان آن عصر اطلاعات مفیدی ارائه می‌دهد. قدیمی‌ترین نسخه آن در اواخر قرن هفتم هجری کتاب شده است.

از دیرباز اندیشه دنیای بعد از مرگ و بهره‌گرفتن انسان از قوه تخیل در این خصوص، او را به خلق سفرهای تمثیلی سوق داده است. یکی از مهم‌ترین این سفرنامه‌ها، ارداویراف‌نامه است، که درباره سفر ویراف موبد پارسای زرتشتی به عالم بالا و دیدار او از بهشت و جهنم به رشته تحریر درآمده است.

ارداویراف‌نامه از کتاب‌های بسیار محبوب در میان جامعه زرتشتیان می‌باشد، همین مسئله باعث پدیدآمدن شکل‌های گوناگونی از آن شده است. بنابراین علاوه بر متن پهلوی، متن پازند نیز دارد و به سنسکریت و زبان انگلیسی نیز ترجمه شده است. ارداویراف‌نامه پهلوی دارای صد و یک فصل است. این کتاب از قرن نوزدهم مورد توجه محققان قرار گرفت و به زبان‌های غربی نیز منتشر شد. از آنجاکه

متن پازند و متون منظوم فارسی زرتشتی و متن پهلوی متفاوت‌اند بنابه گفته تاوادیا نسخه پازند کهنه‌تر از نسخه پهلوی است (تاوادیا، ۱۳۸۳: ۱۶۱).

سه ترجمه منظوم از ارداویراف‌نامه در دست است: ۱. ترجمه زرتشت بهرام پژدو. ۲. ترجمه فریبرز یزدی. ۳. ترجمه انوشیروان مرزبان کرمانی.

حدیثی گوییم از اردای ویراف کنم نظم‌ش یکایک چون در صاف

(مرزبان کرمانی)

متأسفانه اطلاعاتی از زندگی ارداویراف یا ویراف در منابع تاریخی ثبت نشده‌است. زبان‌شناسان درباره مفهوم این اسم دو نظر دارند. یک نظر این است که اردای را به معنی راستی و تقدس و پرهیزکاری می‌دانند نظر دیگر ویراف را مشتق از دو واژه ویر به معنای حافظه و هوش و اف=آب و آبرو معنی کرده‌اند. فیلیپ ژینتو مفهوم ارداویراف را دنیای پس از مرگ می‌داند (ژینتو، ۱۳۷۲: ۱۵). از آنجاکه آئین زرتشتی همواره در گذر زمان به دلیل هجوم بیگانگان و بروز و ظهور ادیان مختلف همیشه در معرض در تغییر و تحول بوده و این تغییر و تحول از پایان عصر هخامنشیان آغاز و تا سقوط سلسله ساسانی نیز تداوم داشت، می‌توان علت پیدایش یا به تعبیر دیگر، دلیل نوشتن این سفر معراج‌گونه را چنین بیان کرد که بعد از هجوم اسکندر به ایران، بسیاری از پیشوایان دینی زرتشتیان و دانشمندان کشته شدند و اسکندر بین بزرگان و کدخدایان ایران شهر اختلاف و کینه انداخت. بعد از آن ایرانیان در ادوار بعدی به‌خصوص در عصر ساسانیان و حتی بعد از انقراض این سلسله مجدداً دچار چنین سرنوشتی شده و نسبت به اعتقادات دینی خود شک و تردید کردند، تا اینکه مغان طی یک سلسله آداب خاص، ویراف را که شخص پارسا و زاهدی تمام‌عیار بود، برای این سفر روحانی و خبر از عالم پس از مرگ انتخاب می‌کنند، وی نیز پس از مشاهدات اسرار آن عالم، مجدداً به جسم و دنیای خاکی برمی‌گردد و شرح سفر می‌ماید. (ژینتو، ۱۳۷۲: ۴۶).

شرح سفر ارداویراف

چون مردمان در برابر مسائل ایزدان در شک و تردید بودند (ارداویراف‌نامه، فصل ۱ بند ۹) موبدان بر آن شدند که پارساترین فرد را از میان خود انتخاب و به سفر روحانی به جهان دیگر بفرستند تا دریابند که آیا در طریق درست دین خویش هستند یا نه ؟ از این‌رو، در آتشکده فرنیغ فارس گردآمدند و پارساترین موبد، به نام شاپور، معروف به ویراف و ملقب به اردا را برگزیدند تا او را روانه این سفر کنند (همان-فصل ۱ بند ۱۷-۱۹).

هفت خواهر ویراف، که مطابق آیین "خویدوده" همسران او نیز بودند، از اینکه موبدان او را، پیش از وقت از دیار زندگان به دیار مردگان می‌فرستند، نگران شدند، اما موبدان به آن‌ها اطمینان دادند که ویراف تندرست باز خواهد گشت (ویراف‌نامه، فصل ۲، بند ۱-۷).

ویراف، برای فراهم آمدن چنین سفری، مجموعه‌ای از شعائر دینی را به‌جا آورد. ویراف نخست آزمون دینی نیزه‌اندازی را به‌جا آورد. مطابق این امتحان، که در دوره ساسانیان و بر مبنای سه باور اساسی زرتشتیان، گفتار نیک، کردار نیک، و پندار نیک شیوه رایجی بود، سه بار نیزه به سوی او پرتاب شد. هر سه بار نیزه به سوی او آمد (همان، فصل ۱، بند ۲۱-۲۲) و معلوم شد که انتخاب او درست بوده است. ویراف بعد شستن تن، جامه نو پوشید خود را خوشبو کرد و خوراک خورد. سپس موبدان سه جام به او نوشاندند، یک جام برای اندیشه نیک، یک جام برای گفتار نیک و جام دیگر برای کردار نیک. آن گاه ویراف بر بستری پاک و نو خوابید. طی این سلسله مراحل روان ویراف به جهان دیگر رفت و پس از هفت شبانه‌روز به تن او بازگشت و آنچه دیده بود بیان نمود. او از سفرش به برزخ، مکانی که گناهکاران و ثوابکاران برابرند، از بهشت، جایگاه درستکاران و پیروان دین زرتشتی، و سرانجام از دوزخ، که جالب‌توجه‌ترین و طولانی‌ترین بخش کتاب است، سخن گفت. عقوبت‌های دوزخ بیشتر به سبب ارتکاب انواع گناهان و عبارت از شکنجه‌های جسمانی بسیار سخت. نکته مهم آن است که ویراف برای سفر به جهان زیرین می‌میرد.

ویراف نخست با اعمال خود که به شکل دوشیزه‌ای زیباست دیدار می‌کند، او ویراف را از پل چینود عبور می‌دهد (ارداویراف‌نامه، فصل ۳، بند ۱ و فصل ۴، ۱۲-۱۰). در هر یک از سه جایگاه، بهشت، دوزخ و برزخ ایزد سروش و آذر، ویراف را همراهی می‌کنند و به پرسش‌های او مبنی بر اینکه به سبب کدام عمل نیک یا عمل بدی مستحق چنین پادافره‌ای شده پاسخ می‌دهند. مهم‌ترین جنبه آموزنده ارداویراف‌نامه نصایح او، نه تنها در روزگار ارداویراف‌نامه، بلکه تا قرن‌ها پس از آن است، در خصوص اینکه کدام عمل خیر است و کدام شر، و پاداش و پادافره اعمال نیک و بد چیست. بدین شیوه سفر ارداویراف به پایان می‌رسد.

نتیجه‌گیری

توجه به اعداد و رمز گشایی از مباحث اساطیری و عرفانی از جمله مباحثی است که ذهن محققان و پژوهشگران اسطوره‌شناس را به خود جلب نموده‌است. اعداد در متون عرفانی کارکرد نمادین دارند. عرفا علاوه بر حروف، از اعداد برای بیان مفهوم رمزی خود بهره زیادی برده‌اند. کاربرد عدد سه و هفت در اساطیر ایران دوران باستان و همچنین نزد عرفا به وضوح قابل رصد می‌باشد. در قصه‌ها و افسانه‌ها رقم عدد ۳ از رقم ۷ فراوان‌تر است و همچنین این عدد دارای تنوع معانی و مفهومی گسترده‌تری نسبت به هفت می‌باشد در عوض در اساطیر و مراحل سیر و سلوک ردپای عدد هفت به مراتب بیشتر از دیگر عددها است.

بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که خاستگاه مباحث سیر و سلوک‌های عرفانی اصولاً اساطیر می‌باشند که به نوعی دچار همزیستی شده‌اند. سفر ارداویراف بیانگر یک نوع رابطه محاسبه شده است که ابتدا بر اساس آیین زرتشتی با نیزه‌اندازی آن هم سه بار پشت سر هم باید شخص شاخصی را برای این مأموریت مهم انتخاب کنند. در مرحله بعدی نوشیدن سه جام می‌باشد که خود حامل پیام‌های سه‌گانه آیین زرتشت: گفتار نیک، کردار نیک و پندار نیک می‌باشد. در متن داستان می‌بینیم که ارداویراف دارای هفت خواهر است و همچنین سفر معنوی‌اش هفت روز به طول می‌انجامد که خود بیانگر تقدس این اعداد از نگاه آیین زرتشت و همچنین عرفان ایرانی م باشد. در سیر و سلوک عطار در منطق‌الطیر به عنوان یک شاهکار عرفانی می‌بینیم، سالک برای رسیدن به مقصد باید هفت وادی را پشت سر بگذارد. در آیین مهر نیز سالک برای رسیدن به سر منزل مقصود بایستی هفت مقام یا مرحله را یکی پس از دیگری پشت سر بگذراند. در شاهنامه فردوسی نیز از هفت خوان رستم و موارد عدیده دیگری از این گونه منازل سخن به میان آمده‌است. بنابراین مطالب فوق بیانگر نوعی رابطه بین اساطیر و عرفان می‌باشند. به عنوان نمونه آیین میترائیسم و مقامات هفتگانه آن تأثیر مستقیمی بر عرفان ایرانی گذاشته‌است و در این خصوص می‌توان گفت جایگاه عدد سه و هفت پررنگتر از دیگر اعداد است.

منابع و مأخذ

۱. آقا شریف، احمد (۱۳۸۳) اسرار و رموز اعداد و حروف، تهران.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴) لسان العرب، بیروت دار صادر.
۳. بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۹) هنر مقدس، اصول و روش‌ها، ترجمه جلال ستاری، تهران انتشارات سروش.
۴. پدرام، جم (۱۳۹۸) آیا ساسانیان روحانی بودند؟، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، سال ۱۱، شماره ۳
۵. پورداوود، ابراهیم (۱۳۷۴) سوشیانس، انتشارات فروهر.
۶. تاوادی، جهانگیر (۱۳۸۳) زبان و ادبیات پهلوی، تهران انتشارات دانشگاه تهران.
۷. ژینو، فیلیپ (۱۳۷۲) ارداویراف‌نامه، ترجمه ژاله آموزگار. تهران معین.
۸. دوستخواه، جلیل (۱۳۷۵) اوستا انتشارات مروارید. تهران.
۹. کرتیس، وستا سر خوش (۱۳۷۳) اسطوره‌های ایرانی ترجمه عباس مخبر. نشر مرکز، چاپ اول.
۱۰. گیرشمن، رومان (۱۳۷۰) ایران از آغاز تا اسلام ترجمه محمد معین. تهران انتشارات علمی فرهنگی
۱۱. قرآن کریم، الهی قمشه ای، مهدی (۱۳۸۴) ج ۱۹ تهران حافظ نوین.
۱۲. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۳) شاهنامه تصحیح ژول مول ترجمه جهانگیر افکاری، تهران چاپ سوم.
۱۳. عطار نیشابوری، فرید الدین محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳) منطق الطیر. تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی، چاپ اول، تهران سخن.
۱۴. فنایی اشکوری، محمد (۱۳۹۰) فلسفه عرفان عملی، فصل نامه اسراء سال چهارم شماره اول.
۱۵. رضا حبیبی نژاد، فاطمه حیاتی (۱۳۹۵) انتظار ظهور منجی آخر الزمان در ادیان الهی (زرتشت، یهود و مسیحیت)
۱۶. مشحون، حسن (۱۳۷۳) تاریخ موسیقی ایران، نشریه سیمرغ، تهران.
۱۷. محمودی، خیرالله، (۱۳۸۴) جایگاه عدد سه در فرهنگ و آیین های باستانی ایرانیان. مجله علوم اجتماعی و انسانی شیراز دوره بیست و دو شماره اول.
۱۸. هینلز، جان راسل (۱۳۸۳) شناخت اساطیر ایران، ترجمه و تالیف باجلان فرخی، تهران انتشارات اساطیر. سروش.

۲۰. واعظی منفرد، سجاد، سید محمد راستگو فر، مجبعلی آبسالان و محمد نصیری (۱۳۹۹) هفت وادی تا رهایی، فصل نامه پژوهش های عرفانی سال سوم شماره ۶.
۲۱. یوسف وند، رضا (۱۳۹۶) پیدایش انسان از اسطوره تا تاریخ، انتشارات آوای دانش گستر تهران

